من یک فیلسوف خوشحالم

داستان زندگی این مرد خواندنی است
او در ورزش آسیب دید اما هنوز
برای ورزش و تدریس کم نمی‌گذارد

معلولیت برای امین‌الزارعین معنایی ندارد و تلاش در ورزش و دانش افتخارات قابل توجهی به‌دست آورده است / عکس: جام جم

لیلا شوقی
جامعه

نافش را با ورزش بریده‌اند. حالا فرقی ندارد که چه ورزشی باشد، کشتی، شنا یا تیراندازی، ورزش کردن در خونش است. به جز همه اینها، او استاد دانشگاه بوده و کلی کتاب و پایان‌نامه هم ارائه داده است. شاید اگر هر کسی به پیکر نحیفش نگاه کند، یک لحظه هم به فکرش نرسد که این تن ظریف و نحیف، چه کارها که نکرده است. موسی‌الرضا امین‌الزارعین اما از همین تن ظریفش کارها کشیده، ورزش‌ها کرده و درس‌ها خوانده و جزو فلاسفه شده؛ همه اینها را هم به کمک دستان بی‌حس و ویلچرش انجام داده است.

خوب یادش است، آن لحظه را که دچار بی‌حسی شد، از ناحیه نخاع گردنی آسیب دید و بعد دیگر نتوانست روی دو پایش بایستد. ۲۰ سال و دو ماه و یک روزش بود و چهار، پنج سالی هم از عمر کشتی گرفتنش می‌گذشت. در شهر خودش، سبزوار و در مسابقات انتخابی تیم ملی، شرکت کرده بود. او می‌گوید: «عضو تیم کشتی استان خراسان بودم.»

قرار بود بعد از مسابقه و عضویت در تیم ملی، برای آمادگی جسمانی به کشور افغانستان بروند. اینها همه آرزوهایی است که به خاطر دارد و برای این که این سفر نصیبش شود، تمرین‌ها کرد و با بهترین شرایط جسمی و روحی هم در مسابقه شرکت کرد اما یک حادثه، همه چیز را به هم ریخت و تمام آمال و آرزوهایش را نقش بر آب کرد.

پل حادثه

«از بچگی نحیف و ناتوان بودم و همیشه از همکلاسی‌هایم که بزرگ‌تر و پرتوان‌تر بودند، کتک می‌خوردم.» ناتوانی باعث شده بود که موسی‌الرضا، همیشه بیمار باشد. به قول خودش هر بیماری که در شهر شایع می‌شد، اول از همه این موسی‌الرضا بود که مریض می‌شد. همین شد که برای قوی شدن سراغ ورزش رفت و کشتی اولین انتخاب او برای انجام یک ورزش بود. خودش که می‌گوید بعد از انتخاب کشتی، قوی‌تر شد و همین هم باعث شد تا توانایی‌هایش بالاتر برود. دستاوردهایی که در ورزش به دست آورده بود، باعث شد که پا را فراتر بگذارد و در سطح جهانی هم فعالیت کند، به خاطر همین هم در مسابقات انتخابی تیم ملی شرکت کرد؛ مسابقه‌ای که در آن مسیر زندگی‌اش عوض شد. لحظه وقوع حادثه را دقیق به خاطر دارد. یک ثانیه به اندازه ساعت‌ها بر او گذشت. آن لحظه برای امین‌الزارعین، شبیه به یک صحنه از فیلمی است که روی دور کند، به نمایش گذاشته می‌شود. او حادثه را این طور تعریف می‌کند: «حریفم مرا برد روی پل (یکی از فن‌های ورزش کشتی است. در این حرکت، کف یا پنجه پاهای کشتی‌گیری که از پشت به پل می‌رود، روی تشک قرار می‌گیرد، سر یا پیشانی او هم، همزمان روی تشک قرار می‌گیرد. این در صورتی است که کمر، پشت و شانه‌هایش با تشک فاصله داشته باشد) و در همان جا بود که به گردنم فشار آورد.» موسی‌الرضا، درست در زمانی که روی زمین و هوا معلق بود و فشار زیادی را تحمل می‌کرد، صدای شکسته شدن گردنش را شنید، بعد، چشمانش تار شد و صدا پیچید توی گوش‌هایش و دیگر نتوانست صحبت کند.

خودش می‌گوید که از همان زمانی که روی زمین افتاده بود، متوجه شد از ناحیه گردن آسیب نخاعی دیده است.

بخشش و ادامه زندگی

موسی‌الرضا اولین نفری نیست که در زمان کشتی گرفتن دچار آسیب نخاعی می‌شود. تعداد افرادی که در زمان مسابقه یا در زمان تمرین آسیب می‌بینند کم نیست، او می‌گوید: «در ایران، چند نفری، در حین کشتی گرفتن، آسیب نخاعی دیده‌اند. در جهان هم کسانی هستند که آسیب دیده‌اند.» آسیب دیدن در ورزش‌های حرفه‌ای اتفاق می‌افتد. موسی‌الرضا معتقد است که شانس آورده که زنده مانده است. این هم به خاطر این است که در همان اول ماجرا که آسیب نخاعی دید، مربی‌اش فهمید و مسابقه را قطع کرد. داورها و حریف اما متوجه نشده بودند که چه اتفاقی برای موسی‌الرضا افتاده است و به خاطر همین اعتراض می‌کنند. امین‌الزارعین می‌گوید این وقفه‌ای که افتاد خوب بود، چرا که تکانش ندادند و همین باعث شد که او زنده بماند. وقتی همه متوجه می‌شوند که چه بر سر موسی‌الرضا آمده است، او را سریع به بیمارستان منتقل می‌کنند. دو سه روزی زمان می‌برد تا موسی‌الرضا به حرف می‌آید و می‌تواند صحبت کند. او می‌گوید: «تا زبانم باز شد و توانستم صحبت کنم، گفتم که حریفم را می‌بخشم.» او معتقد است که آسیب نخاعی‌اش، قضا و قدر بوده است و همین باعث می‌شود تا حریف را ببخشد. زندگی موسی‌الرضا اما به کلی تغییر می‌کند و دنیا به شکل دیگری برایش به تصویر کشیده می‌شود. حالا نه می‌تواند راه برود و نه حتی می‌تواند دستانش را تکان دهد. در تکان‌دادن گردن هم با محدودیت‌هایی روبه‌رو است.

ورزش ادامه دارد

موسی‌الرضا هنوز هم ورزش می‌کند و حالا در ۶۸ سالگی، سه روز در هفته، شنا می‌کند اما سوال اینجاست که مگر او که قطع نخاع است، می‌تواند شنا کند؟ ورزش کردن در خون موسی‌الرضاست. بعد از این که زندگی ورزشی او در کشتی به پایان رسید و امیدهایی که برای عضویت در تیم ملی داشت، نقش بر آب شد، زندگی را به شکل دیگری ادامه داد.

در تمام روزهایی که روی تشک خوابیده و توان حرکت نداشت، او به مسابقاتی که برده بود و مدال‌هایی که برگردنش آویزان شده بود فکر می‌کرد، شاید همین باعث می‌شود به درمان امیدوار باشد و آن را ادامه دهد. خوابیدن بیش از اندازه به پشت باعث می‌شود مشکلات دیگری سراغش بیاید که ابتلا به بیماری زخم بستر یکی از آنهاست. او را برای مداوا به کشور انگلستان می‌فرستند و در همان جا، بعد از عمل جراحی، شنا را آموزش می‌بینند.

او می‌گوید: «نه تنها شنا که هر مهارت دیگری را که برای هر توان‌یاب برای ادامه زندگی لازم است، در این کشور آموزش دیدم.» رانندگی، شنا، استفاده از وسایل خانه در حالی که روی صندلی چرخ‌دار نشسته و حتی تیراندازی از کارهایی است که در این کشور یاد گرفت. تیراندازی و انجام ورزش‌های دیگر باعث می‌شود تا او که تا قبل از این، توان حرکت دستانش را نداشته دوباره دستانش به حرکت درآید. هرچند هنوز هم او توان تکان دادن انگشتانش را ندارد و به زحمت می‌تواند قلم به دست بگیرد و چیزی بنویسد اما قدرت به مچ دستانش برگشته است.

جابه‌جایی رکورد و عضویت در تیم ملی

زندگی +

درست زمانی که موسی‌الرضا روی ویلچر نشسته بود و با زندگی می‌جنگید، خبری به او می‌رسد، دوستانش به او خبر می‌دهند که می‌تواند عضو تیم پارالمپیک شود. همین می‌شود که امین‌الزارعین هم عزمش را جزم و تمرین‌هایش را شروع می‌کند. ۴۰ روز، تمام کار و زندگی او این می‌شود که برود استخر و شنا کند تا آمادگی جسمانی مناسب برای شرکت در مسابقه را پیدا کند. نکته جالب در این میان اما این است که در همین مدت زمان کم، او از نظر جسمی آماده می‌شود و رکورد شنای معلولین را هم تغییر می‌دهد. او در رشته سرعت و استقامت، رکورد ایران را ۷ ثانیه جابه‌جا می‌کند. البته بعدها در رشته سرعت، رکوردش دوباره جابه‌جا می‌شود ولی در رشته استقامت، رکورد هنوز در دستان موسی‌الرضاست. بعد از این رکوردزنی، او بالاخره به عنوان نماینده ایران انتخاب می‌شود تا در سال ۱۳۶۵ برای شرکت در مسابقات سهمیه شنای معلولین به انگلستان برود. یک مشکل، اما باعث می‌شود موسی‌الرضا نتواند پایش را بر خاک انگلستان بگذارد. به خاطر شرایط سیاسی و اتفاقاتی که در صدور ویزا برای او پیش می‌آید، به او ویزا نمی‌دهند. همین می‌شود که او از دریافت سهمیه المپیک که در انگلستان برگزار می‌شد، دور بماند و این باعث می‌شد در المپیک ۱۹۸۸ که در سئول، پایتخت کره جنوبی، برگزار شد، ایران نماینده‌ای در رشته شنای معلولان نداشته باشد. موسی‌الرضا، خود را جزو فلاسفه خوشحال معرفی می‌کند. با این که بعد از ویلچرنشین شدنش، به خاطر مشکلات کلیوی به بیمارستان مراجعه کرده و چند بار هم به خاطر این دردش، تحت عمل جراحی قرار گرفته است، اما خود را خوشبخت می‌داند. او می‌گوید: «پس از حادثه‌ای که منجر به از دست دادن پاهایم شد هم احساس خوشبختی داشته و دارم.» وقتی از دلیل این خوشبختی می‌پرسیم از داشته‌هایش می‌گوید. از این که به آنچه دارد، نگاه می‌کند، نه آنچه ندارد. او می‌گوید: «همه داشته‌هایم را فدای آنچه که ندارم، نمی‌کنم.» او از چشمی که دارد، از حس بویایی و از همسر و پسری که با آنها خوشبخت است، می‌گوید، از داشته‌هایش و به خاطر همین هم پاها و انگشتانی که کار نمی‌کنند، حالا دیگر برایش مهم نیست.

لذت خوش فلسفه

آن زمان که موسی‌الرضا وارد رشته کشتی شد، رویاهای دور و درازی در سر داشت. از همان روزهای اول، به این که برای مردم کشورش کاری کند، فکر می‌کرد اما همه چیز با آسیب نخاعی به هم ریخت. روز اول بعد از آسیب نخاعی، به همین آرزو، فکر کرد.

حالا اما خوشحال است، به شکل دیگری، به ایران خدمت می‌کند، با درس دادن به دانش‌آموزان و دانشجوهای ایران زمین. آن روز که ویلچرنشین شد، امین‌الزارعین، دانشجوی رشته مکانیک در شهر گرگان بود و ۴۵ واحد هم پاس کرده بود. بعد از سانحه اما نتوانست در کلاس‌ها شرکت کند.

بعد از تمام شدن دوره‌های درمان و بازیابی قوا، برای ادامه تحصیل به گرگان رفت، اما شرایط کلاس‌های درس در گرگان مساعد نبود، به خاطر همین، به دانشگاه ساری منتقل شد.

بعد از انقلاب فرهنگی دوباره در آزمون دانشگاه شرکت کرد و این بار در مشهد و در رشته مهندسی برق قدرت، قبول شد. مشکلات خوابگاهی و پله‌های دانشگاه باعث شد دوباره اتفاقی که برای دانشگاه گرگان پیش آمده بود، تکرار شود، بنابراین از رشته برق قدرت هم انصراف داد و از آنجا که سه بار از دانشگاه دولتی، انصراف داده بود، دیگر اجازه شرکت در آزمون سراسری را نداشت.

او ولی کوتاه نیامد. در آزمون دانشگاه آزاد شرکت کرد، این بار، نه در رشته علوم ریاضی، بلکه رشته‌اش را تغییر داد و در آزمون رشته علوم انسانی، شرکت کرد به این شکل او در رشته فلسفه قبول شد.

شرکت کردن در کلاس‌های فلسفه، برای او آرامش را به ارمغان آورد. حالا با خواندن فلسفه، گمشده همیشگی‌اش را پیدا کرد و تا بالاترین درجات دانشگاهی، یعنی دکتری پیش رفت. فلسفه و شنا حالا از بزرگ‌ترین داشته‌هایش است و به قول خودش، با فلسفه خواندن و شنا، خوشبختی را در اعماق وجودش احساس می‌کند.

موسی‌الرضا این روزها معلم بازنشسته آموزش‌وپرورش است و در دانشگاه تدریس می‌کند، به جز فارسی، به دو زبان انگلیسی و عربی تسلط دارد و ۴۰ کتاب هم در حوزه‌های مختلف، از ورزشی گرفته، تا فلسفه، تربیتی و حتی مشکلاتی که توان‌یاب‌ها با آنها مواجه هستند، به چاپ رسانده است. کتاب‌های او، تا به حال، به چهار زبان دنیا ترجمه شده است.

موسی‌الرضا با اشاره به یکی از کتاب‌هایش و موضوعات و مشکلاتی که توان‌یاب‌ها با آنها روبه‌رو هستند، می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین مشکلات توان‌یاب‌ها نامناسب بودن مبلمان شهری است.»

او به عنوان شخصی که با ویلچر رفت‌وآمد می‌کند، مبلمان شهری نامناسب را یکی از بزرگ‌ترین دشمنان توان‌یاب‌ها می‌داند.

حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#حذف-صفر

عاشوری از تهران:

حذف صفر و ریال به تنهایی هیچ کمکی به ارزش پول ملی نمی‌کند و بهتر است دولت محترم فکری به حال کنترل تورم کند.

#لیگ-برتر

نامی از اصفهان:

چرا مسؤولان سازمان لیگ برتر فوتبال، مسابقات لیگ برتر را برگزار نمی‌کنند؟ با توجه به اعتراضات بسیاری از تیم‌ها بهتر است این مسابقات برگزار شود.

#مترو-فاصله‌گذاری

جمعی از شهروندان از تهران:

با کاهش محدودیت‌های کرونایی و آغاز گسترده کسب‌وکارها در تهران، در بیشتر ساعات روز واگن‌های مترو شلوغ است به‌طوری‌که رعایت فاصله فیزیکی ممکن نیست.

#سهام-ابهام

مرادی-بندرعباس:

تا قبل از آزادسازی سهام عدالت درباره این‌که چرا سود سهام ناچیز است گفته می‌شد که سهام عدالت متعلق به شرکت کم‌بازده یا ورشکسته است. اما حالا بعد از آزادسازی گفته می‌شود که این سهام جزو بهترین سهام‌های کشور است. مردم با این همه تناقض چه کار کنند؟

#زباله-جوی-آب

شرقی از تهران:

برخی از مردم زباله‌ها را در جوی‌های آب رها می‌کنند که ضمن ایجاد صحنه‌های ناخوشایند، موش‌ها نیز میان زباله‌ها رژه می‌روند. در این میان برخی از نیروهای خدمات شهری هم پس از جاروکردن زباله‌ها آنها را در جوی‌های آب رها می‌کنند.

جوابیه

در پی درج پیامی با عنوان «مترو-تهرانسر» مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه با ارسال نمابری اعلام کرد: بر اساس آخرین بازنگری مصوب طرح جامع حمل و نقل و ریلی شهر تهران در سال ۹۸، خط ۱۱ پایتخت با ۳ ایستگاه تبادلی از منطقه تهرانسر عبور می‌کند که انجام این خط هم‌اکنون در مرحله مطالعات امکان‌سنجی قرار دارد. همچنین خط متروی حومه‌ای تهران-هشتگرد نیز در جنوب محدوده تهرانسر دارای ایستگاه تبادلی با خط ۱۱ است. شایان ذکر است احداث شبکه ریلی حومه‌ای تهران- هشتگرد در محدوده وظایف وزارت کشور و وزارت راه قرار دارد.